

نوشته: الکسی لورکا

ترجمه: افشین معاصر

- LA PERTE DEL' IMAGE
- PETER HANDKE
- GALLIMARD
- TRADUIT DE L' ALLEMAND PAR OLIVIER LE LAY
- 646 PAGES
- PRIX: 27 F/177, 11 FF

آدم تازه پس از خواندن کتاب پیچیده و ۶۵۰ صفحه‌ای تصویر گم شده^۱ و بستن آن سخت هوای گشت و گو با نویسنده‌اش را می‌کند. این کدام آتشی است که چنین مردی را که عده‌ای اثر وی را استادانه و عده‌ای دیگر گنگ خوانده‌اند چنین بر سر ذوق آورده؟ صدایش پای تلنن مردد بود: «اگر می‌خواهید درباره باغچه خانه یا رنگ چشم‌ام حرف بزنید زحمت نکشید... خوب دیگه... بالاخره... باشه... بفرمایید...» به خانه ساده‌اش ته بن بست آرامی در یکی از محله‌های پاکیزه حومه پاریس رفتیم. نویسنده ما در خانه را با کمی دلشوره باز کرد چون زنگ در درست کار نمی‌کرد! رفتارش بی‌ریا و بی‌شتاب بود و صدای خفه‌اش به نجوا بیشتر شباهت داشت.

چیزی که در وهله نخست آدم را شگفت زده می‌کرد آسیب‌پذیری بسیار زیادش بود و سپس روش از سر باز کردن پاسخ به پرسش‌ها و اندیشه‌هایی که رمان او را بنحوی به رشته‌ای از واقعیت پیوند بزند. هائیکه به هر واقعیتی جز قصه بی‌زمانی که نقل می‌کند و نگارش فراتر از آگاهی‌اش بی‌اعتناست. البته غوطه خوردن او در چنین فضائی مایه شادمانی است. دوست دردم

● RETROUVER L' IMAGE INTERIEURE

مقاله بی‌سخت که در مجله ادبی LIRE (شماره ۱۰۴) قلم ALEXIE TORCA می‌نویسد.

L. LA PERTE DEL' IMAGE

پیش از شروع نوشتن در جاهائی از قصه که مطمئن‌ام خالی از زندگی است غوطه بخورم، هیچوقت نتوانستم کار سر راست بکنم. برای من زمان در ادبیات همیشه معماً باقی مانده. گاهی از این قضیه وحشت می‌کنم چون هیچ نمی‌دانم در کجای زمان هستم. اما همانطور که ریشه گیاه برای سر پا ماندن خودش را به زمین آویزان کرده من هم خودم را به جمله آویزان می‌کنم.»

فهرمان زن داسنایی که بانوئی از مشاهیر بانکداری است در بندری در شمال اروپا زندگی می‌کند و همچو دون کیشوت عصر جدید هوای گم شدن و بخطر افتادن دارد. او تصمیم گرفته به همه چیز پشت کند تا برای دیدار بانویسنده‌ای که تقاضای نگاهشتن زندگی‌اش را کرده به اسپانیا سفر کند. «شازده خانم بازاری» ما در اثر راز سر به مهربی قصد دارد تا پای پیاده صفحات خشک سیرا دوگروس^۱ را در نوردد. مگر اینجا راه صلیبی است؟ هانتکه از این هم پیشتر رفته و اضافه می‌کند که اینجا «راه شادی و خشونت و جسارت است. از همچو زنی نمی‌توان تعریف درست روانشناختی کرد. وی به رغم قدرت مندی می‌خواهد خدمتگزار دیگران باشد و دلایل فراوانی برای این سفر دارد: پیدا کردن مردی که دوستش دارد و دخترش که از حال او بی‌خبر است... و محتملاً نجات دادن برادرش... او از اینکه برادرش مرتکب جنایت شود وحشت دارد و فکر می‌کند شاید با این سفر بتوان جلوی سرنوشت را گرفت.» هانتکه را نباید بخاطر «محتملاً» و «شاید» هایش و تحمیل واقعیت سرزنش کرد. آیا هنوز زکش مکشی که بدنبال کتاب سفر زمستانی بسمت دانوب و ساو و لاموراوا و لادرینا^۲ (انتشارات گالیمار) در گرفت دامن گیر اوست؟ وی در آن کتاب داوری یکی از رسانه‌های غربی را که حسابگرانه از مردم صربستان هیولائی ساخته بود به روی دایره ریخت. «شورای ابلهان!» این رمان تصمیم گرفت تا دیگر درباره این موضوع دستکم در سطح اروپا بحث نشود. برای مرد اطریشی گفت و گو یا ادبی می‌تواند باشد یا هیچ زیرا طبیعت هر چیز یا از تبار ادبیات است یا قطعات ادبی. دلیل روشن نبودن کتاب‌های او نیز بدون تردید همین است. برای خواننده کتاب‌های وی لمس واقعیت مطلقاً در هیچ زمان و در هیچ مکان و با هیچ شخصیت و در هیچ موقعیتی ممکن نیست. به عبارت دیگر خواننده یا باید خودش را بدست امواج خروشان زمان و زبان او که بی‌وقفه دستخوش دگرگونی است بسپارد یا در آن غرق شود.

حتی عنوان کتاب نیز معماً برانگیز است: تصویر گم شده... در فصل‌های آخر کتاب پرده از

1. SIERRA DE GREDOS

2. VOYAGE HIVERNAL VERS LE DANUB, LA SAVE, LA MORAVA ET LADRINA (GALLIMARD)

کلید معما برداشته می‌شود. روزگاری بود که بشر با دیدن تصاویر آشنا متقلب می‌شد حال آنکه امروز در برابر تصویرسازی فراوان رسانه‌ها در جهان بیرون همه اینها گم شده‌اند. نویسنده با صدای بسیار آهسته گفت «می‌دانید مثلاً تصویر جویباری که بیست سال پیش در ایتالیا دیده‌اید می‌تواند تصویر درونی و شگرف کمابیش عارفانه‌ای باشد که درست لحظه‌ای که انتظارش را ندارید بسراغتان بیاید.» او اینها را «گوهر معنی» می‌داند که گم شدنش نشانه مرگ است و باید بازجسته شود. بشر با از دست دادن چنین گوهری به صدف خالی مبدل شده که با تصاویر مصنوعی و ساختگی پر شده باشد. هانتکه در اضطراب اینکه اندیشه‌اش را به دستگاه فکری منتسب کنیم یا بدتر خود او را سازنده چنین دستگاهی بدانیم با گفتن «خیال ساختن دستگاه فلسفه تصویر نداشته‌ام» از خودش دفاع کرد. نویسنده‌ای که تعادل اندیشه‌اش را مانند بد باز روی لبه تیغ نگه دارد و با هیچ صورتی از واقعیت سر سازگاری نداشته باشد و مسافری که به رغم دل‌بستگی به راه رفته به آغاز و پایان سفر بی‌اعتنا باشد آسیب‌پذیری‌اش قابل فهم است.



رئوس‌العلماء انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منتشر شد:

نثر و شرح مثنوی (۶ جلد)
عبدالباقی گولپنارلی
 ترجمه و توضیح دکتر توفیق سبحانی

سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج - نبش سه راه شبشه مینا - تلفن ۴۴۵۱۳۰۰۲